

درمان «هاری» با خوردن نوعی مگس «زنبور»

قسمت اول

مردی روان شاد میرزا کوچک جنگلی شعله‌ی دادخواهی و میهن پرستی برافراشته بود می‌نویسد: زمانی که از پسیخان در معیت افرادی که به سوی «عینک رشت» می‌آمد، بیرون روستای «خشت مسجد» دچار حمله و گزیدگی سگ هار می‌شود و «میرزا کوچک» به او سفارش می‌کند که برای درمان سنتی «گیله تجربه» به صومعه‌سرا نزد «سید حبیب الله خان مدنی» برود تا دست‌اش را «دعا» بزند (۲) وی که جزو افسران تحصیل کرده و روشن فکر و غیور جنگل بود به دستور «میرزا» عمل می‌کند و به روستای «صومعه‌سرا» می‌رود و شرح معالجه‌ی خود را در خاطراتش چنین می‌نگارد:

● شادروان صادق کوچک پور که یکی از نیرومندترین بازوهای مسلح نهضت جنگلی تا آخرین روزهای مبارزه بود پیش از پیوستن به جنگلیان در تشکیلات تازه سازمان یافته‌ی شهربانی رشت دارای موقعیتی بوده است پس از آن که توانست جنگلیان را در دست‌یابی به وسایل رزمی یاری دهد به آنان پیوست و سمت فرماندهی بخشی از تشکیلات نظامی جنگلیان را بر عهده گرفت او که درس خوانده‌ی دارالفنون تهران و آجودان شهربانی رشت بود.

در ضمن خاطرات خود در باره نهضت گیلانی جنگل در زمانی که این جنبش غیرت مندانه که پای

درمان «هاری» با خوردن نوعی مگس «زنبور»

پژوهش و نگارش: محمد بشرا

قسمت دوم

گیله تجربه» همین درمان «سگ هار» گزیدگی یا زنبور (۳) «ماستک» بود که از آن آگاهی یافتیم پس از جست و جو و نامه نگاری، موفق شدم دو عدد زنبور «ماستک» را که داخل «نی» تو خالی نهاده و سر و ته اش را با روده‌ی خشکانده‌ی گوسفند بسته بودند دریافت کنم و آن را از نزدیک ببینم. (۴)

پی نویس ها:

* مگس و زنبورها می‌گزند. در فرهنگ زرتشتی جزو «خرفستران» موجودات غیر مفیدند» اما از زنبور عسل به عنوان مگس شهد نام برده می‌شود در حالی که از این رده حشرها نیست. به همین دلیل، زنبور مفید «ماستک» هم مگس اطلاق می‌شود «نگارنده»
۱ و ۲ و ۳: برداشت آزاد از کتاب نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی - اجتماعی گیلان و قزوین.

نوشته‌ی شادروان صادق کوچک پور. به کوشش سید محمد تقی میر ابوالقاسمی / نشر گیلکان / رشت.

۴: وسیله آقای محمد انسان صفت از روستای زبده فومن و دوست دیگری که نام اش مد نظر نیست جریان خوراندن ماستک را با نان برایم از روستای پشتیر صومعه‌سرا نوشته بودند سال ۱۳۵۳»

پایان قسمت دوم

سرو پای او (مگس) را دور ریختم و در یک کاسه‌ی ماست، قنه‌ی مگس را ریختم. پس از دوازده ساعت ماست را تجدید کردم، خلاصه سه دفعه این عمل را انجام شد. سپس مگس‌ها را با خمیر نان مخلوط و چندین حب درست کردم و روزی سه دانه ازین حب مصرف می‌شد» ایشان از آن سگ هبار گزیدگی شفا می‌یابد و سال‌ها «بیشتر از پنجاه و پنج سال پس از آن روی داد» زندگی می‌کند و سرانجام بر اثر سکنه‌ی قلبی در سال ۱۳۵۵ از جهان فانی در می‌گذرد و در آستانه‌ی اشرفیه به خاک سپرده می‌شود. (۳)

○ در سالهایی که نگارنده برنامه‌ی فرهنگ گیلان را برای رادیو رشت می‌نوشتم (۱۳۵۷-۱۳۵۰) پیوسته برای ملاقات با همکاران پیوسته‌ی برنامه‌ی فرهنگ گیلان به نقاط مختلف این سرزمین فرهنگ پرور سفر می‌کردم و به پژوهش‌های میدانی می‌پرداختم، از جمله‌ی پدیده‌های شگرف «مردم یزشکی =

● «سوار درشکه شدم، به صومعه‌سرا رفتم. آقای مدنی جلوی یک دکان نشسته بود. جریان را گفتم. دستم را باز کرد، با تیغ قدری زخم کرد و خون جاری شد. یک کاسه خواست، داخل کاسه با مرکب آیاتی نوشت، آب ریخت (نوشته) حل شد، خوردم. روی یک تکه نان لواش هم نوشت، او را هم خوردم، بعد گفتم سه عدد مگس به نام «ماستک» تهیه کنم و آن را سه مرتبه که هر دفعه دوازده ساعت باید طول بکشد، داخل ماست کرده و ماست را هم زیر خاک کنند که می‌آید حیوانی بخورد و مسموم شود. تمام بازار صومعه‌سرا را گشتند «ماستک» را پیدا نکردند. گفتند فومن دارند، من فوری با درشکه تا جمعه بازار آمدم، درشکه را مرخص کردم چگونگی را به میرزا نوشتم. خودم از جمعه بازار به «گلفزان» رفتم. یک نفر در فومن فرستادم. «ماستک» مگس معروف را خریدند. زرد رنگ بود. طبق دستور «آقای سید حبیب الله خان»

درمان «هاری» با خوردن نوعی مگس «زنبور»

پژوهش و نگارش: محمد بشرا

قسمت سوم

گاه آنها را با خمیر داخل نان به خوبی درهم می‌آمیختند و به مدد آرد معمولی یا آرد نخود حب می‌کردند و هر هشت ساعت یک عدد از حب‌ها را تا سه روز می‌خوردند «هر روز در حقیقت یک حشره‌ی به عمل آمده خورده می‌شد» و بدین گونه از گزند بیماری هاری و عوارض جانبی‌اش که در فرهنگ مردم گیلان شرح و بسطی طولانی دارد، رهایی می‌یافتند و درمان می‌بایست بلافاصله صورت بگیرد «حداکثر بیست چهار ساعت بعد» تا مؤثر واقع شود.

○ در آن روزگاران هنوز نه واکسن هاری موجود بود و نه سرم آن در دسترس قرار داشت و سگ‌ها هم به دلیل این که سگان ولگرد فراوان بودند بی‌گمان بیشتر از امروز. ۵: پاورقی کتاب نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی - اجتماعی گیلان قزوین / صفحه‌ی ۱۶۱ - شماره‌ی ۲۷

۶: پیوسته یکی از راه‌های درمان بیماران روانی نوشتن ادعیه و اوراد و آیات قرآنی در داخل کاسه‌ی چینی با آب زعفران و شستن آن با آب و خوراندن به بیمار بود که «دوعا کاسه خوری KAS6: DUĀ XURI» گفته می‌شد.

۷: اوستا، از سه گروه پزشکی یا مردم شفا بخش نام می‌برد که اولین گروه از این سه گروه «مؤبدان» بودند که به مدد دعا و رسم‌های دینی و ذکر و تلقین بیماران را درمان می‌کردند که در حقیقت به «روان درمانی» بیماران می‌پرداختند.

شادروان صادق، کوچک پور آمده است (۷) کسی را به سگ‌ها «دیوسک Div.6 S6k» می‌گزید، ضمن روان درمانی‌های متفاوت که محل بیان‌اش در این مقاله نیست و می‌داشتند که زنبور «ماستک» نیز بخورد. از نوشته‌های به دست آمده و پژوهش‌های میدانی صورت پذیرفته بر می‌آید که، خوردن زنبور بدون عمل آوری‌اش، مسموم کننده بوده است ابتدا، زنبور را که پیوسته از اطراف بوته‌های کاسنی می‌گرفتند، در نی توخالی می‌نهادند «هر دو سه تایی را در یک نی توخالی ده، سانتی متری» و سرو تا‌ش را به رودی گوسفند تمیز، شده و خشکیده می‌بستند و به بازار فروش «عطاری‌ها و گیاه پزشکی‌ها و حکیم گیاهیان» عرضه می‌کردند. ابتداء سرو پا‌های سه حشره را دور می‌ریختند، بعد آنها را ۱۲ ساعت در کاسه‌ای ماست قرار می‌دادند و هر بار، حشره‌ها را در آورده و ماست را دفن می‌کردند تا سگ و گربه نخوردند و مسموم نشوند. آن

در پاورقی کتاب خاطرات شادروان صادق کوچکپور درباره‌ی این حشره نوشته شده است «از انواع مگس‌ها و (حتاً) گاه از آشیانه‌ی گلی آنها به نام (تو خالی مگز) (تا خالی مگزی «رشت» TAXAL6Y6 M6G6Zl در درمان‌های سنتی (نفس تنگی = تنگ نفس = آسم) استفاده می‌شد. اما مگس «ماستک» که به آن اشاره شده است در کوهستان‌ها زندگی می‌کند) و بیشتر در اطراف بوته‌ی کاسنی دیده می‌شود) و آن را هنگام مکیدن شیره‌ی گل کاسنی شکار می‌کنند که معتقدند تأثیر آن در معالجه‌ی بیماری هاری بیشتر است» (۵)

○ با پژوهشی که پیش ازین انجام و از سالمندان پرس و جو به عمل آمده است درمان با این زنبور در «مردم پزشکی = گیله تجربه» درمانی عام بوده است که همراه با «دعا» نویسی «دوعا کاسه خوری» (۶) انجام می‌شد که این دومی به شرحی که در متن خاطرات

«فرهنگ مردم» سرزمین خود را جدی بگیریم

درمان «هاری» با خوردن

نوعی مگس «زنبور»

پژوهش و نگارش: محمد بشرا

قسمت چهارم

ادعای این که سگ هارگزیدگان به روشی که یاد آوری شده درمان می‌شدند نه خرافات است و نه ادعایی محض و سند معتبری هم دارد که شخص شخیص و تحصیل کرده و فهیمی آن را نوشته و در حقیقت به تجربه رسانیده است (۸) و امروزه هیچ کس با هر طرز فکری بی گمان ادعا ندارد که می‌باید «هاری» را با «ماستک»= MASTOK درمان کرد. اما، آیا هیچ دکتر داروشناس و پزشک متخصص عمومی که گوشت و پوست و خون و استخوان‌اش ازین سرزمین فرهنگ پرور است، پس از انتشار کتاب خاطرات شادروان صادق کوچک پور که به سال ۱۳۶۹ به زیور چاپ آراسته شده، آمده است. آستین همت بالا کرده و دست به تحقیقی در این مورد زده و با آزمایش‌های لازم و گسترده و کافی بر روی «ماستک» مشخص کرده که این حشره چه ماده‌ی موثره‌ای در خود دارد که خوردن‌اش همراه با روان درمانی «دوعا کاسه خوری

است، به ثبوت برسانند و خیلی شق ورق ندا بردارند که ایها الناس این «ماستک» حشره‌ای بی بی و خاصیت است و هیچ فایده‌ی ویژه‌ای برای درمان هاری ندارد و همه‌ی کسانی که از دیر باز تاریخ تا زمان ما، ادعایی در این زمینه داشته اند و دارند ول معطل بوده‌اند و هستند. اما، اگر هم که چنین باشد «به گمان یک در هزار» باید اسم «ماستک» را به عنوان حشره‌ای که برای «روان درمانی» بیماری هاری مفید فایده بود به آب طلا بنویسند. تازه مقوله‌ی جداگانه‌ای در زمینه‌ی تأثیر «روان درمانی» در بیماری «هاری» گشود می‌شود که باید درباره‌اش به پژوهش و جست و جوی و آزمایش و تجربه پرداخت و نتیجه یا نتایج علمی‌اش را به اطلاع مراجع پزشکی دنیا رسانید. هم چنان که امروزه طب پیش رفتی ممالک متمدن، روی کردی دوباره پیدا کرده است به طب سنتی و مردمی. همین چند ماه پیش نشریات علمی و طبیبی و پژوهشی اعلام کردند که دانشمندان دریافته‌اند بزاق دهان «زالو» برای درمان سکنه‌های قلبی بسیار مفید است و حتا در بسیاری اوقات از این عارضه‌ی قلبی که سالانه گروه زیادی از مردم دنیا را دچار نقص می‌کند و یا به کام مرگ می‌اندازد، جلوگیری می‌کند. در حالی که در طب سنتی یعنی «گیله تجربه» ما، بیشتر از هر جایی استفاده از زالو در خون‌گیری‌ها از نقاط مختلف بدن متداول بوده است. اما کدام یک از

متخصصان و پزشکان ما تحقیق کردند که چه علتی داشته که در طب سنتی از زالو برای خون‌گیری بهره گرفته می‌شده است؟ بالاخره هم دانشمندان اروپایی در این مورد تحقیق کردند و به نتایج درخشانی رسیدند که به نام خودشان در تاریخ دانش بشری ثبت شده است. حالا هم در مورد درمان هاری با زنبور «ماستک» آنقدر پژوهندگان و محققان و متخصصان ما این دست آن دست و اهمال و به من چه و به تو چه کنند که باز هم کشف علل تأثیر خوردن زنبور «ماستک» در درمان هاری به نام یکی دیگر از دانشمندان غیر ایرانی و غیر گیلانی به ثبت برسد. در حالی که اصل درمان در سرزمین ما اتفاق می‌افتاده و رایج بوده است.

● بیاید بی هیچ حب و بغض و خود کم یا زیاد بینی خاصی، پژوهش گسترده و همه جانبه‌ای در درباره «فرهنگ مردم = فولکلر» سرزمین مان که نماد برجسته‌ای در پیکره‌ی مردم شناسی در دنیاست، دنبال کنیم و تنها به زعم این که فلان رسم و عادت غیر علمی و خرافات است. بخش عمده‌ای از فرهنگ اصیل و ریشه دار و پر محتوای خود را دچار نابودی و تباهی نسازیم و چهره‌ی واقعی فرهنگ خود را مخدوش و برگ‌های زرین هویت ایرانی - گیلانی بودن مان را نابود نسازیم.

۸: شادروان صادق کوچکیور / نهضت جنگل و اوضاع و فرهنگی - اجتماعی گیلان و قزوین / ص ۷۸، ۷۹

پایان